

تشتت رویه مترجمان ادبی

احمد پوری

در شماره قبلی، نظر آقای عبدالله کوثری را در مورد تشتت آرا و رویه در میان مترجمان ادبی جويا شدیم. در این شماره از جناب آقای احمد پوری خواسته‌ایم نظرشان را در پاسخ به سوال زیر مطرح کنند.

خزاعی‌فر: چنان که می‌دانید، ترجمه، بخصوص ترجمه ادبی نیاز به خلاقیت زبانی دارد و خلاقیت اساساً امری فردی است. ولی در عین حال، ترجمه ادبی موضوع علاقه و فعالیت گروهی است که خود را مترجم ادبی می‌نامند. متأسفانه در ایران مترجمان ادبی ارتباط حرفه‌ای و صنفی روشنی با هم ندارند و مراودات زبانی و مکتوب بین آن‌ها برقرار نمی‌شود تا بتوانند راجع به مسائل مختلف ترجمه از جمله شیوه و زبان ترجمه با هم بحث کنند. در نتیجه نمی‌توان انتظار داشت که مترجمان دربارهٔ هنجارها و قراردادهای زبانی در ترجمه‌هایشان با هم به توافق برسند یا لاقلاً دیدگاه‌هایشان به هم نزدیک شود. نتیجهٔ عدم ارتباط صنفی و حرفه‌ای میان مترجمان ادبی تشتت آرا دربارهٔ بسیاری از مسائل مرتبط با ترجمه از جمله شیوهٔ ترجمه، تلقی نسبت به مفاهیمی مثل تعادل، وفاداری و سبک مترجم، و نیز تشتت رویه در موضوع قراردادهای هنجارهای زبانی است. شما با من هم عقیده‌اید که چنین تشتتی وجود دارد؟ ممکن است به جلوه‌هایی از این تشتت اشاره کنید؟

احمد پوری: به نظر من تشتت آرا و وجود سلايق متفاوت در ترجمه، نه تنها نگران‌کننده نیست بلکه تا حد زیادی به خلاقیت بیشتر در کار ترجمه کمک می‌کند چراکه از تفاوت‌ها می‌شود بسیار آموخت. اصولاً یکپارچه‌شدن ترجمه و تابعیت آن از یک سری فرمول‌ها و بایدها در عرصه ادبیات تخیلی (fiction) چندان پدیدهٔ خوشایندی نمی‌تواند باشد. مرآده بین مترجمین از نظر من بیشتر باید از طریق خواندن آثار همدیگر صورت بگیرد تا ضمن یادگیری از هم گاه نکته‌ای به چالش کشیده شود و مثلاً در یک نشریهٔ ادبی عده‌ای صاحب‌نظر را برای بحث و نظر در بارهٔ آن، دور هم گرد آورد. حال بماند که ایده‌آل‌ترین شکل چنین چالشی، نبودن حب و بغض و دورماندن از هر جزمیت باید باشد.

اما آنچه در ترجمه‌های امروز به صورت پدیده‌ای منفی به چشم می‌خورد ترجمه‌های پر از غلط با فارسی گاه نامفهوم است که با تکیه به شهرت نویسنده و یا ضرورت طرح موضوع

در جامعه امروز ما مترجمین بی تجربه و کم تجربه را تشویق به ترجمه می کند و ناشر عجول و جویای نام را ترغیب به چاپ آن می کند و حاصل کتابی می شود نامفهوم که هزینه آن متأسفانه بر بودجه نحیف اهالی کتابخوان سنگینی می کند.

اتفاقاً این بخش را می توان آسیب شناسی کرد و توصیه های منطبق با واقعیت و عملی ارائه نمود. امید این است که اول از همه ناشرانی که دلسوز فرهنگ هستند و برای درآمدت به دنبال نام و نشان نیکی می باشند با مختصر هزینه ای کتاب های پیشنهادی را از نظر یک فرد متخصص بگذرانند و در صورت تأیید آنها، اثر را به ویراستاری صالح بسپارند. همان گونه که گفتم این کار ممکن است هزینه ای دیگر به خرج های ناشر تحمیل کند اما در درازمدت علاوه بر جلوگیری از چاپ آثار بی ارزش و احیاناً کارهای مغلوط در بالابردن سطح فرهنگ و ذوق جامعه کتابخوان نیز نقش بزرگی خواهد داشت.

البته روش های بهتری هم مانند ایجاد یک مرکز ویراستاران با پشتیبانی مالی ناشرین و گذشتن آثار ارائه شده برای چاپ از فیلتر این مرکز که کاملاً مستقل است و با هیچ نهاد رسمی و دولتی ارتباطی ندارد می تواند یکی از اقدامات ضروری برای شکستن چنین آشفتگی در بازار ادبی به ویژه ترجمه باشد.

به نظر من در وضعیت کنونی مخاطبان آثار ترجمه شده هم نقش مهمی را می توانند داشته باشند. اعتراض به کتاب هایی که نامفهوم با فارسی آشفته، و طرح این اعتراض ها در شبکه های اجتماعی و در صورت امکان در نشریات چاپی هم به ناشر و هم مترجم یادآوری کنند که کارشان دور از مسئولیت اجتماعی بوده و مورد اعتراض مخاطب هست. چنین اعتراضی به معنی نقد آن اثر نیست اما نظری از خواننده اثر هست که به اعتقاد من موجه ترین منبع ارزش گذاری یک اثر هنری است. والسلام.
